



انسان امانتدار حقیقت فرشته منش در نهاد و درون خود است

بشر در درون خود امانتی دارد که اگر با آن بدرفتاری کند به او ظلم کرده است. در نهاد نهاد آدم و در درون درون بشر یک حقیقت فرشته منشی قرار داده شده که انسان امانتدار آن است نه مالک آن.

بشر در درون خود امانتی دارد که اگر با آن بدرفتاری کند به او ظلم کرده است. در نهاد نهاد آدم و در درون درون بشر یک حقیقت فرشته منشی قرار داده شده که انسان امانتدار آن است نه مالک آن.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های فرهنگیان، شهید باهنر، اصول دین و وزارت دفاع تهران و جمعی از طلاب مدرسه علمیه زینب(س) آستانه و چالوس که در درس اخلاق هفتگی وی در نمازخانه مؤسسه بین المللی بنیاد وحیانی اسراء حضور یافته بود، گفت: دنیا هم مزرعه و هم مدرسه است؛ در بحث اخلاقی از مزرعه بودن سخن به میان می آید و در بحثهای معرفتی از مدرسه بودن سخن گفته می شود.

آیت الله جوادی آملی ادامه داد: اگر کسی می خواهد دانشمند شود، دنیا برای او به مثابه مدرسه است و اگر انسانی می خواهد سعادتمند شود، دنیا برای او مزرعه است، ولی اگر می خواهد به هر دو برسد، باید مزرعه و مدرسه بودن را، در کنار یکدیگر ببیند.

وی افزود: اگر انسانی می خواهد در دنیا زندگی کند، ممکن است فقیه، اصولی، جامعه شناس، ادیب و یا مورخ شود، اما حکیم نخواهد شد، چون دنیا از مجموعه ای از اعتبارات تشکیل شده و با عناوین اعتباری تنها امور اعتباری نصیب او می شود، نه علوم تکوینی و حقیقی.

آیت الله جوادی آملی تصریح کرد: اگر انسان می خواهد حکیم شود، باید در زمین، زندگی کند و نه با دنیا، زیرا حکما، شب و روز و هر آنچه در این کره خاکی وجود دارد را، نشانه و دلیل بر حقانیت ذات اقدس ربوبیت می دانند؛ بنابراین اگر کسی می خواهد در مدرسه زندگی کند، باید با شمس و زمین و آسمان رابطه داشته باشد، تا بتواند حقیقت تکوین را درک کند.

این مفسر بزرگ قرآن کریم گفت: نگاه به دنیا متفاوت است، یک زمانی انسان دنیا را تابلوی زیبایی می بیند، این دسته از انسانها برای تماشای دنیا آمد، یک زمانی انسان از دنیا عبرت می گیرد که این انسانها از حوادث دنیا درس اخلاق می گیرند و دنیا برای آنها مزرعه و مدرسه می شود، این گروه می خواهند از ظلم به نورانیت و عدل برسند، لذا دنیا برای آنها معبر است نه مانع.

وی افزود: اگر کسی صحنه های عبرت آموز دنیا را می بیند و تحولی در او ایجاد نمی شود، این فرد تماشاگر دنیا است نه عبرت آموز. به هر حال گاهی دنیا مدرسه عملی است، برای حکیم شدن و گاهی مدرسه است برای اخلاق پروری، این زندگی دنیوی اگر با عمل صالح همراه شد، می شود مزرعه و در غیر این صورت مانع رسیدن انسان به سعادت خواهد شد.

آیت الله جوادی آملیدر ادامه به ضرورت خودشناسی اشاره کرد و اظهار داشت: اگر معرفت به خود پیدا کردیم، ارزش خود را می فهمیم، در این صورت می فهمیم که ما امین هستیم نه مالک؛ ولی در این عرصه برخی دچار اشتباه شده اند؛ اشتباه دسته اول این بود که بین جانشینی خدا و جایگزینی خدا فرقی نگذاشته اند، یعنی اینکه آنها بین خلیفه بودن و اومانیسیم فرقی نگذاشته اند.

وی اظهارداشت: اومانیسیت کسی است که می گوید هر چه بخواهم می گویم و عمل می کنم؛ یعنی کسی در این عالم جز من نیست، من رهبرم و کسی مرا رهبری نمی کند. او گرفتار اومانیسیم است یا همان تفکر فرعونی. این ها می گویند خدا خود من هستم.

آیت الله جوادی آملی ادامه داد: اما اشتباهی که بین مسلمانان در این زمینه به وقوع پیوست این بود که خیال می کردند تمام گوهر هستی از آن خودمان است، این از بدترین دشمنی های معرفت شناسی است؛ واقعیت این است که انسان آنچه را که خدا در وجود و حقیقت او گذاشته، امانتدار آن است و نه مالک آن؛ تا جایی که قرآن کریم می فرماید «ما به آنها ستم نکردیم بلکه آنها به خود ظلم روا داشت».

وی بیان داشت: اینکه قرآن می فرماید «ما به آنها ستم نکردیم، بلکه آنها به خود ظلم روا داشت»، به معنای این است که در درون و نهان انسان یک حقیقتی است که ما نسبت به آن امین و امانتدار می باشیم نه مالک آن و وظیفه ما حفظ و حراست از

آن است. در واقع خداوند این نعمت را به انسان عنایت کرده تا با رهنمود گرفتن درونی، به سمت او حرکت و به آن عمل کند و با عمل کردن به آن به شکوفایی برسد.

وی افزود: بشر در درون خود امانتی دارد که اگر با آن بد رفتاری کند به او ظلم کرده است. در نهاد آدم و در درون او، یک حقیقت فرشته منشی قرار داده شده که انسان امانتدار آن هست نه مالک آن.

آیت الله جوادی آملی ابراز داشت: انسان وظیفه ای در قبال آن راهنما و چراغ و رهبر دارد و آن این است که حرف او را گوش کند. این فطرت، چراغ و راهنما را خدای متعال در درون آدم به امانت گذاشته تا در سایه او راه برود، در سایه او از مسیرهای خطرناک عبور کند. اگر انسان با وجود این راهنما به بیراهه برود و حرف رهبر درون خود را گوش نکند و در مواظبت از آن تلاش نکند به تعبیر قرآن کریم به خود ظلم کرده و چراغ هدایت را خاموش نموده است.